

سال ۱۴۰۵ یک سال فرا انقلابی برای نهادهای فرهنگی

بودجه فرهنگ یک سوم تورم زیاد می‌شود



محمدحسین سلطانی

رئیس‌کار گروه فرهنگ

رفت و آمد صالحی، جبلی، صالحی امیری، قمی و خسروپناه به مجلس در روزهای آینده بیشتر می‌شود. دلایلش هم مشخص است بودجه مملکت در سال ۱۴۰۵ به مجلس ارسال شده و کشتی گرفتن بر سر جزئیاتش آغاز می‌شود. تورم به نسبت سال گذشته ثابت نبرده و روند افزایشی داشته. در آمار مهر نرخ تورم سالانه به حدود ۳۸٫۹ درصد رسیده و این یعنی سازمان‌ها هم بودجه‌های بیشتری را برای برنامه‌ریزی سال آینده طلب خواهند کرد؛ اما حداقل در حوزه فرهنگ، سیاست کوچک‌سازی دولت بر رویکرد همگام‌بودن بودجه‌با تورم چریبده و این را از آمارهای این ۵ نهاد می‌شود فهمید. به ترتیب بودجه وزارت فرهنگ و ارشاد، صداوسیما، وزارت میراث فرهنگی و گردشگری، سازمان تبلیغات و دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۸٫۴ درصد افزایش، ۱۳ درصد افزایش، ۴٫۸ درصد کاهش، ۸٫۲ درصد افزایش و ۱۷٫۸ درصد افزایش نسبت به سال ۱۴۰۴ داشته‌اند. البته این را باید در نظر گرفت که بودجه صدا و سیما به دلیل بندی مبنی بر «کمک به تولید آثار فرهنگی و افزایش آگاهی عمومی» حدود ۱٫۹۶ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا می‌کند و تفاوت بودجه سازمان با سال قبل حدود ۱۹ درصد رشد داشته است که این یعنی پرهزینه‌ترین نهاد فرهنگی کشور بیشترین رشد را هم نسبت به سال گذشته داشته است. جدای از این وزارت فرهنگ و ارشاد هم به دلیل بند «کمک به مؤسسه هنرمندان پیشکسوت» حدود ۴۰ میلیارد تومان افزایش بودجه دارد و بودجه‌اش به ۱۵٫۷ همت می‌رسد. این یعنی دولت در حوزه فرهنگ، بودجه نهادها را از کاهش ۵ درصدی تا افزایش ۱۹ درصدی تغییر داده است. مشخصاً بودجه هیچ نهادی به میزان تورم نزدیک هم نشده و دولت، کوچک‌سازی را مشخصاً از نهادهای فرهنگی آغاز کرده است. مهم‌ترین نهاد فرهنگی‌ای که در این بین دچار کاهش هزینه‌ها شده است وزارت میراث فرهنگی و گردشگری است که با حدود ۱ همت کاهش هزینه نسبت به سال ۱۴۰۴ مواجه شده و در مجموع ۵ درصد همش از سبد بودجه کشور کمتر شده، اما این داده‌ها تنها لانگ شات بودجه ۱۴۰۵ است.

نیما کرمی، مجری برنامه «دونقطه» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

خلاقیتی در برنامه‌های مناسبتی نمی‌بینم



مریم فضائی

رئیس‌کار گروه فرهنگ

نویسنده این سطور، با اینکه از ادبیات، انشا و فارسی بدش نمی‌آمد و از کتاب خواندن یا حفظ کردن شعر لذت می‌برد، اما هیچ‌وقت با تاریخ ادبیات، نوشتن املا و آن‌دست درس‌های وابسته به ادبیات کنار نیامد. با این حال، زور ادبیات و عربی و درس‌های انسانی بیشتر بود و دست‌کم این شانس را آورد که از دره هولناک ریاضی و تجربی نجات پیدا کند.

حالا که چند سالی از عمر دانشجویی گذشته، این اطمینان شکل گرفته که ادبیات، اگر قرار است در زندگی امروز جایی داشته باشد، ناگزیر است شکل‌های تازه‌تری از ارتباط با مخاطب را تجربه کند؛ شکل‌هایی که الزاماً شبیه کلاس درس و کتاب‌های درسی مثلاً رنگی نباشند.

برنامه تلویزیونی «دو نقطه» چند ماهی است روی آنتن رفته، اما در شب یلدا با فکر و ایده‌ای تازه ظاهر شد و همین، بهانه‌ای شد برای پرداختن به آن. شب یلدا تلویزیون سال‌هاست با دکورهای شلوغ قرمز، مهمان‌های پر تعداد و گفت‌وگوهای تکراری شناخته می‌شود؛ اما هرازگاهی، میان این شب‌نشینی‌های شبیه به هم، برنامه‌ای متفاوت به چشم می‌آید. برنامه‌ای که نه فقط به‌خاطر مهمان‌هایش، بلکه به‌خاطر ایده و محتوا دیده می‌شود؛ و وقتی این تفاوت، رنگ آموزش هم به خود می‌گیرد، طبیعی است که بیشتر جلب توجه کند.

ویژه‌برنامه شب یلدا «دو نقطه» از همین جنس است؛ تلاشی برای پیوند زدن سرگرمی با ادبیات فارسی، در قالب بازی و فعالیت‌های گروهی و در عین حال فردی. طبیعی است که اگر با ذره‌بین به مسراغ نقد این برنامه برویم، می‌توان به نکاتی قابل بحث رسید؛ اما واقعیت این است که اگر همان ذره‌بین را روی مجموعه برنامه‌های صداوسیما بگذاریم و میان بیش از بیست شبکه تلویزیونی به دنبال برنامه‌ای قابل اعتنا بگردیم، نهایتاً به «دو نقطه» و چند برنامه محدود دیگری می‌رسیم که دست‌کم حداقل‌های برنامه‌سازی را رعایت کرده‌اند. به همین بهانه، گفت‌وگویی با نیما کرمی، مجری این برنامه، انجام دادیم تا از ایده شکل‌گیری «دو نقطه»، مسیر آن در تلویزیون و واکنش‌هایی که پس از پخش به دنبال داشته، بیشتر بشنویم.

در باره ایده برنامه «دو نقطه» بگویید؛ این ایده از کجا شکل گرفت و به چه شکلی با شما مطرح شد؟

یک گروه جوان، ایده‌پرداز و به‌روز پشت این برنامه است. این خیلی مهم است آدم‌هایی باشند که هم معلمی بدانند، هم ادبیات را بشناسند و هم به‌روز باشند. این نکته، برگ برنده برنامه است. این جوان‌ها دور هم به یک طرح و ایده رسیده‌اند و اتفاقی را بنیان گذاشته‌اند که خروجی‌اش «دو نقطه» ای شد که امروز می‌بینیم. این برنامه در چند مرحله ساخته شد؛ یک مرحله فقط با نوجوانان، مرحله‌ای با سرگروهی بزرگ‌ترها و نوجوانان و در نهایت ویژه‌برنامه شب یلدا که با حضور هنرمندان پیش رفت. نکته مهم و حائز اهمیت در این ایده این است که ما برای اولین‌بار می‌بینیم یک اتفاق اینترتینمنت-به قول خارجی‌ها- یا سرگرمی- به قول ما ایرانی‌ها- در رسانه با موضوعیت ادبیات فارسی در حال رخ دادن است. اولین‌باری که این موضوع با من مطرح شد، برابم خیلی مهم بود ببینم به چه شکلی به مسئله سرگرمی و ادبیات فارسی نگاه شده است. پارسال، همین موقع‌ها، اولین‌بار درباره این طرح با من صحبت و جلسه‌ای گذاشته شد. در آن جلسه متوجه شدم ما مجازاً فقط در حد حرف نیست، یعنی ایده حاصل یک جلسه اتفاقی نبود که چند نفر دور هم نشستند و به نتیجه‌ای رسیده باشند و حالا بخوانند آن را مطرح کنند. ایده، فکر و کار و طراحی شده بود. حالا این خروجی، با کمی هوش و ذکاوت، وقت گذاشتن و تحمل سختی‌ها می، می‌توانست یک اتفاق منحصر به‌فرد و بی‌نظیر را در تلویزیون رقم بزند. خوش‌بختانه برداشتم از آن جلسه درست بود و امروز شاهد همان اتفاق هستیم. شاید هنوز به صددرصد آلمان‌ها و آروهایمان نرسیده باشیم؛ اما تا حد زیادی آن چیزهایی که در ذهنمان بوده، محقق شده است.

نما را کلوتریز که بگیریم جیب‌ها خالی‌تر است

اگر بخوایم روند بودجه کشور را در ۵ سال اخیر مورد بررسی قرار دهیم تازه روند تغییر حجم جیب فرهنگ مشخص می‌شود. پس از آنکه بودجه فرهنگی سال ۱۴۰۳ حدود ۲٫۵ تا ۳ برابر نسبت به سال ۱۴۰۲ افزایش پیدا کرد. دیگر دولت‌دست به چنین ریزشک‌هایی در حوزه فرهنگ نزد. دفاع دولت چهاردهم از این منطق در افزایش حداقلی و یا کاهش هزینه‌ها، منطقی کردن هزینه‌کردهای دولت در سال ۱۴۰۵ است و منطق دولت قبل هم اهمیت بیشتر دادن به فرهنگ و بازی دادن دولت در عرصه تولیدکنندگی آثار. با این همه اگر افزایش سسال ۱۴۰۳، کاهش بودجه نهادهای فرهنگی از ۱۴۰۳ به ۱۴۰۴ و کاهش بودجه میراث در سال ۱۴۰۵ را کتا بر بگذاریم، بودجه فرهنگ اصولاً روندی ثابت در افزایش داشته است. روندی که احتمالاً با توجه به روند افزایشی تورم، دست دولت را در سرمایه‌گذاری‌های حوزه فرهنگ می‌بندد. البته دولت برای برون‌رفت از این شرایط و بهای بیشتر به نهادهای فرهنگی دست به تخصیص برنامه هم افزایش و ارتقای فعالیت‌ها و تولیدات فرهنگی از محل یک درصد از هزینه‌های شرکت‌های دولتی را مانند سال‌های گذشته در نظر گرفته که این بند را به حدود ۱۰ همت رسانده است تا به موضوعاتی نظیر اجرایی‌سازی سند فعالیت‌های فرهنگی بین الملل، تخصیص بودجه برای تحکیم نهاد خانواده، جوانی جمعیت، توانمندسازی بانوان و امور جوانان و ... اختصاص دهند و از این ۱۰ همت که سهم شرکت‌های دولتی در فرهنگ است، استفاده کنند. نکته جالب ماجرا این است که این سهم هم نسبت به سال گذشته افزایش چشمگیری نداشته و تنها ۳٫۳ درصد زیاد شده است.

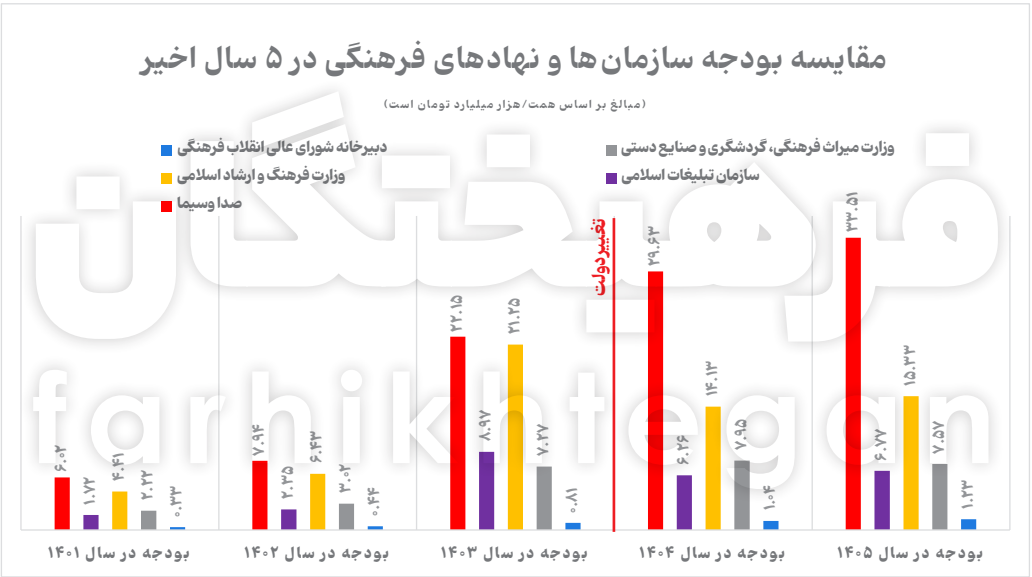
بودجه‌های سازمان‌های فرهنگی مختلف به کجا رسیده است؟

وقتی بحث را می‌کشانیم به بودجه فرهنگی نهادها و سازمان‌های مختلف و از بودجه ۳۳٫۳ همتی صدا و سیما یا ۱۵٫۳ همتی وزارت فرهنگ و ارشاد صحبت می‌کنیم این اعداد تنها مربوط به یک وزارت‌خانه نیست و ربط به مجموعه‌ای از نهادهای فرهنگی در سرتاسر کشور دارد؛ به عنوان مثال

دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی با فرهنگستان‌ها و بنیادها حدود ۱٫۲ همت بودجه گرفته است که در این میان فرهنگستان زبان و ادب فارسی با حدود ۲۳۷ میلیارد بیشترین بودجه را دریافت کرده است یا وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی با حدود ۱۵٫۳ همت، برای نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور حدود ۱٫۴ همت در نظر گرفته و یا سازمان سینمایی حدود ۷۴۰ میلیون تومان بودجه گرفته است به همراه ۵۰ میلیارد تومان تملک، نهادهایی همچون سازمان تبلیغات هم با بودجه ۶٫۷ همتی حدود ۱٫۳ همتی را به حوزه هنری انقلاب اسلامی اختصاص داده است و ستاد اقامه نماز هم ۱۳۹ میلیارد تومان از سبد بودجه کشور سهمیم شده است.

هزینه‌های تولید به هزینه‌های بودجه می‌رسد؟

بخش مهمی از نهادهای فرهنگی دریافت‌کننده بودجه تولیدکنندگان



محدود به شعرخوانی، شاعره و این جور قالب‌هاست. در «دونقطه» اما با شکل متفاوتی مواجهیم. با توجه به اینکه بار اصلی برنامه روی آموزش است و آموزش هم معمولاً چهارچوب نسبتاً خشکی دارد، چطور از این قالب فاصله گرفتید؟

اتفاقاً من با بخشی از حرف شما موافق نیستم و می‌خواهم چیزی به آن اضافه کنم. آموزش سنتی خسته‌کننده است؛ اما آموزش نوین همین است که ما انجام می‌دهیم. الان بچه من در مدرسه، مثل ما القبا را یاد نمی‌گیرد. از طریق بازی، از طرح موضوع و از گپ‌وگفت‌های پیرامون آن واژه‌ها را یاد می‌گیرد. دنیای امروز دقیقاً همین است. دنیای امروز شما را با سرگرمی و بازی، دانشمند و علامه می‌کند. اتفاقاً ما الان داریم مسیر درست را می‌رویم. به همین دلیل وقتی همراه با نگاه نوین جهانی، با ابزار، بازی و عناصر سرگرم‌کننده آموزش را وارد می‌کنیم، اصلاً خشکی‌ای وجود ندارد. من کاملاً با این فضا همراه می‌شوم، از آن لذت می‌برم و مخاطب هم از آن لذت می‌برد؛ اما اگر حتی درصدی نگاه آموزشی‌ما، نگاه سنتی بود، اینجا به مشکل می‌خوردیم و شاید به‌مختصه وارد چنین پروژه‌ای نمی‌شدم.

وضعیت ادبیات در تلویزیون و فضای مجازی را چطور ارزیابی می‌کنید؟

وضعیت خوبی نداریم؛ اما امیدوارم برنامه‌هایی از جنس «دونقطه» بیشتر و به آن‌ها رسیدگی شود. اینکه من و شما و مسئولان بنشینیم و بگوییم «به‌به! چه برنامه خوبی!» و خوشحال باشیم که ادبیات به این شکل به دل جامعه می‌رسد، کافی نیست. این برنامه هزینه دارد. «دونقطه» برنامه عادی نیست که یک دکور ساده داشته باشد. این برنامه روزی حدود ۱۰۰ نفر تماشاگر دارد، ۲۰ نفر شرکت‌کننده دارد و ۷۰ نفر عوامل. هزینه‌های ساخت و تولید چنین برنامه‌ای اصلاً کم نیست. اگر واقعاً دوستدار این هستیم که زبان و ادبیات فارسی از طریق رسانه در جامعه ما اوج بگیرد، باید به این مسائل فکر کنیم. فقط دست‌زدن و تشویق کردن به‌عنوان مسئول فرهنگی کفایت نمی‌کند. ما زمانی می‌توانیم وضعیت فاجعه‌بار فضای فرهنگی را بهبود ببخشیم که درصد اعتبار فرهنگی ارگان‌ها را، بدون هیچ توقعی، پای‌کار بیاوریم. سؤال من از مسئولان فرهنگی کشور این است؛ چرا باید ۲۴ ساعت مانده به پخش یک برنامه فاخر بلدایی، مجبور شویم تیزر تبلیغاتی پخش کنیم؟ چرا من صبح پخش اولین قسمت «دونقطه»، به‌دلیل بالا بودن هزینه‌های تولید، مجبور شوم تبلیغی را بگویم که اصلاً دوست ندارم؟ یکی از نقاط ضعف «دونقطه»، پخش تیزرهای تبلیغاتی بود؛ جایی که من مجری به اجبار به‌اجبارها را بگویم، چون هزینه‌ها باید تأمین شود و شبکه و تهیه‌کننده ناچارند این کار را انجام دهند. هر نیم‌ساعت یک‌بار، من مجبور می‌شوم وسط برنامه بیایم و درباره تبلیغات صحبت کنم و روی ذهن مخاطب و خود برنامه بروم. مسئولان فرهنگی ما کجا هستند؟ اگر واقعاً به حرف‌هایی که می‌زنیم اعتقاد داریم، اگر درک درستی از تأثیر روانی و اجتماعی یک برنامه تلویزیونی و موج‌آفرینی آن وجود دارد، باید بودجه‌های فرهنگی ارگان‌های مختلف را به سمت تولید چنین برنامه‌هایی هدایت کنیم. آن‌وقت من مجبور نمی‌شوم وسط برنامه ادبی از بانک، مؤسسه مالی یا بیمه بگویم. اینجااست که ما نقطه ضعف داریم و امیدوارم مسئولان، حرف‌های من را بشنوند.

بعد از پخش برنامه، با چه واکنش‌هایی مواجه

شدید؟

اکثریت واکنش‌ها مثبت بود و واکنش منفی آن‌چنانی نداشتیم. تنها چیزی که من دریافت کردم، مربوط به تبلیغات بین برنامه بود که واکنش‌های منفی زیادی داشت. بعضی‌ها هم می‌گفتند ممکن بود طولانی‌بودن برنامه باعث عوض کردن شبکه شود.

آماری از میزان استقبال مخاطبان در اختیار دارید؟

بعید می‌دانم. هنوز زود است که بخوایم به آمار دقیق برسیم.

در باره فصل‌های بعدی «دونقطه» چه تصمیمی گرفته شده؟

صحبت‌هایی برای آینده شده؛ اما همه این‌ها منوط به مسائل حمایتی و مالی است که باید نسبت به پروژه انجام شود. هنوز برنامه‌ای ضبط نشده است.

و در پایان، حرف آخر؟

یک خسته نباشید ویژه می‌گویم به مدیرت شبکه، تهیه‌کننده، کارگردان‌ها و سردبیران محترم، نویسندگان و همه عواملی که شبانه‌روز تلاش کردند یک برنامه فاخر روی آنتن تلویزیون برود.

